

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۱۹۸۰۴۴۰ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸ توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۲ • ۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۱۳ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۰۰ • ۱۲ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۴۲ اذان صبح فردا ۳:۱۶ • طلوع آفتاب ۴:۵۹

شرق روزنامه

دیالوگ روز

مثل یک عاشق-عباس کیارستمی-۲۰۱۲

آقای وانانابه (تاداشی اوکونو):

وقتی می‌دونی که دروغ می‌شوی، بهتره که نبرسی.

اینو تجربه به ما یاد میده.

صدسالگی توفیق

روز شنبه ۲۴ تیرماه آیین یادبود صدمین سال آغاز انتشار نشریه توفیق در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی برگزار می‌شود. این مراسم به مناسبت اهدای آرشبو مؤسسه توفیق به مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی برپا خواهد شد. به گزارش روابطعمومی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، در این مراسم، احمد مسجدجامعی، هادی خانیکی، محمد جعفری‌قنواتی، غلامرضا کیانی‌رشید، هادی حیدری و مهسا طهرانی سخن خواهند گفت. صد سال پیش بود که اولین شماره «توفیق»، به همت حسین توفیق، در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۲ و به بهای شش شاهی منتشر شد و انتشارش تا ۴۸ سال ادامه یافت و در هفتم تیر ۱۳۵۰ توقیف شد و برای همیشه به محاق رفت. هرچند برادران توفیق؛ حسن، حسین و عباس که فرزندان بنیان‌گذار آن بودند، سعی کردند یاد و نام مجله «توفیق» را در اذهان و افکار مردم زنده نگه دارند و کوشیدند با نشر

کتاب و مقاله، نسل جدید را با این نشریه آشنا کنند. یکی از این اتفاقات، اهدای کنجینه توفیق و افتتاح موزه آن در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در ۲۴ آذر ۱۳۹۸ بود. اکنون در آستانه صدسالگی توفیق، عباس توفیق آخرین برادر

از نسل گردانندگان آن، هم‌زمان با صدسالگی توفیق، ۸۹سالگی خود را نیز جشن گرفت و ویژه‌نامه‌ای برای آن متدارک دیده که در ۶۸ صفحه و به بهای ۱۲۰ هزار تومان منتشر شده است. مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی هم عهده‌دار چاپ و نشر و توزیع آن شده است. ازاین‌رو مراسمی به همین مناسبت روز شنبه، ۲۴ تیر، ساعت ۱۰ صبح در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی به نشانی میدان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید پورابتهاج (کاشانک)، ترسیده به سه‌راه آجودانیه، شماره ۲۱۰، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز همایش‌های بین‌المللی رایزن، تالار رسول اکرم (ص) برپا می‌شود.



طرح تابستانه کتابخانه‌های حامی

امسال نیز کتابخانه‌های حامی میزبان کودکان و همه اهالی روستا برای

اجرای این طرح تابستانی شاد و آموزشی هستند.

ارسال وسایل به ۳۳ کتابخانه فعال روستایی

و

۳۰ کتابخانه مدارس



من یک حامی هستم

hamiassociation.org

@hami_association

Tel: +۹1-۸۸۸۳۰۱۷۷

انجمن حامی حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی



• بیش از ۳۰ هزار فلامینگو در تالاب‌های اقماری پارک ملی دریاچه ارومیه مانند تالاب درگه‌سنگی، سولدوز وکانی برازان فرود آمده‌اند. بخش قابل توجهی از این تالاب‌ها در پاییز ۱۴۰۱ به دلیل کاهش بارندگی و کاهش آب رودخانه خشک شده بودند. عکس: حمید اکبری، فارس

میلان کوندرا از نویسندگان بزرگ معاصر درگذشت

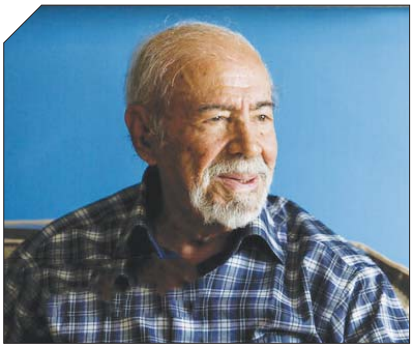
جاودانگی کوندرا



افشا می‌کند که برای سرویس‌های اطلاعاتی غربی در چکسلواکی سابق به جاسوسی می‌پرداخت. این خبر چینی برای میروسلاو دورژاچک ۱۴ سال حبس در زندان کمونیستی به همراه داشت. هفته‌نامه معتبری در چک نوشت در میانه محاکمه‌های نمایشی کمونیستی در دهه ۱۹۵۰ که هزاران تن را به کام مرگ کشاند، کوندرا هویت مردی را فاش کرد که حتی او را نمی‌شناخت. در گزارش پلیس به تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۵۰ آمده بود: «میلان کوندرا، دانشجوی بیست‌ساله، متولد اول آوریل ۱۹۲۹ در برنو، به پلیس گزارش داد که میروسلاو دورژاچک، خلبان سابق نظامی که برای سازمان‌های اطلاعاتی غربی کار می‌کرد و پیش‌تر به آلمان گریخته بود، اکنون با یک دختر دانشجو در خوابگاه زندگی می‌کند و به شکل مخفیانه مشغول جاسوسی علیه چکسلواکی است.» دورژاچک پس از کودتای کمونیستی سال ۱۹۴۸ چکسلواکی را ترک کرده و در کمپ پناهندگان آلمان به استخدام سرویس اطلاعاتی چکسلواکی درآمد و با حمایت آمریکا و برای مأموریت به چکسلواکی اعزام شده بود. وقتی دورژاچک در سال ۱۹۶۳ از زندان آزاد شد، تازه رمان «عشق‌های خنده‌دار» او منتشر شده و موفقیت چشمگیری به دست آورده بود. این اتهام البته واکنش‌های بسیاری برانگیخت از جمله واتسلاو هاول در دفاع از میلان کوندرا از مورخان خواست تا در داوری تاریخ جانب احتیاط را به کار بندند تا به سرنوشت پدران خود دچار نشوند. کوندرا در دهه شصت میلادی به‌عنوان کمونیست اصلاح‌طلب در چک شناخته می‌شد و پس از اشغال چکسلواکی به دست روس‌ها در سال ۱۹۶۸ از حق زندگی اجتماعی محروم شد و اغلب رمان‌هایش در چک ممنوع شد. کوندرا مانند غالب نویسندگان و روشنفکران چکسلواکی به حمایت از جنبش اصلاح‌طلبانه حزب کمونیست چکسلواکی معروف به بهار پراگ در سال ۱۹۶۸ برخاست و پس از اشغال وطنش به دست ارتش سرخ شوروی در اوت ۱۹۶۸ در فهرست سیاه قرار گرفت و از دانشکده نیز اخراج شد. کوندرا، مانند بیشتر نویسندگان آزاداندیش جهان در وطنش پذیرفته نشد و ازاین‌روست شاید که او خود را «نویسنده عجیب چک‌زبان فرانسوی» می‌خواند. از آن دست نویسندگانی که در جمهوری جهانی ادبیات با تمام دشواری‌ها جایی در زبان برای خود دست‌وپا کرد تا آتارش را به هر ترتیب بنویسد و منتشر کند. «شوخی»، «زندگی جای دیگری است»، «خنده و فراموشی»، «جشن بی‌معنایی»، «کلاه کلمنتیس»، «هویت» و «جاودانگی» از جمله آثار مطرح کوندرا است که به فارسی نیز ترجمه شده است.

ر. اعتمادی روی در نقاب خاک کشید

یک عمر عاشقانه‌نویسی



و در کنار کار روزنامه به نوشتن داستان هم می‌پرداخت و اتفاقاً یکی از دلایل اقبال به «جوانان» باورقی‌های خود او بود. او پس از آنکه از مجله «جوانان» کنار رفت، در طول این سال‌ها به جز رمان نویسی، حرفه دیگری نداشت، اگرچه آتارش هم با محدودیت‌هایی برای انتشار روبه‌رو بودند. او در همان مصاحبه درباره مجوزنگرفتن رمان‌هایش گفته بود: «یکی از مشکلات من در جامعه ادبی این است که نویسنده پرخطابی مثل من که در دو دوره (قبل و بعد از انقلاب) کارهای پرخطابی داشت را با تنگ‌نظری‌هایشان رنجاندند. هرکسی به خود اجازه می‌دهد بدون خواندن حتی یک خط از کتاب‌های من درمورد آنها اظهار نظر کند. در سال ۷۰ تمام کتاب‌هایم که پیش از انقلاب به چاپ رسیده بودند (به جز دو سه تایشان را که خودم برای چاپ نفرستادم) بدون حذف‌شدن حتی یک سطر از آنها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز گرفتند. با وجود این در چند سال اخیر حتی آن کتاب‌هایی از من که توسط وزارت ارشاد مجوز گرفته‌اند اجازه چاپ پیدا نمی‌کنند! برای من این رفتار بسیار عجیب است. همیشه اعتقادم بر این بود که نویسنده نباید سیاسی باشد.»

اعتمادی با نگاه خاصی که به رمان‌های عامه‌پسند داشت یک عمر داستان‌های عاشقانه پرفروش نوشت و رمان را کالایی می‌دانست که در بازار عرضه می‌شود و ازاین‌رو بر اقبال عمومی از زمان تأکید داشت. او خود را عاشقانه‌نویس می‌نامید و گفته بود که «از سال ۴۵ این حس در من گسترش پیدا کرد که رمان عاشقانه بنویسم، چراکه عشق مفهومی ابدی است. چه در اروپا، چه در آمریکا و چه در ایران خودمان رمانی بنویسید که در آن ردپایی از عشق نباشد آن رمان فراموش خواهد شد». اعتمادی تعریف خاصی خودش را از رمان داشت و براساس همین نگاه رمان را تقسیم‌بندی می‌کرد و رمان عاشقانه را ماندگار می‌دانست؛ گرچه تعریف او از رمان چندان قابل اعتنا نبود اما به‌هرحال او برای چند دهه داستان‌هایی نوشت که بسیار پرفروش بودند و بخش قابل توجهی از آتارش هم به صورت افست در دست‌فروشی‌های کتاب به فروش می‌رفتند.